

## تأثیر تأخیر غیر عادی گزارش حسابداری و ضعف در کنترل های داخلی و کیفیت حسابداری بر ریسک سقوط قیمت سهام

■ امیر رضا کیقبادی<sup>۱</sup>

■ سمیه فتحی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۶

### چکیده:

تأخیر غیر عادی در گزارش حسابداری و ضعف در کنترل های داخلی با افزایش عدم اطمینان سرمایه گذاران و تسریع در تجمع خبر بد، ریسک سقوط قیمت را افزایش می دهد. از طرفی افزایش کیفیت حسابداری به عبارتی نظارت دقیق و بهتر به دلیل جلوگیری از انجام کارهای فرصت طلبانه توسط مدیریت و انباشته شدن اخبار بد، موجب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می شود. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر تأخیر غیر عادی گزارش حسابداری و ضعف در کنترل های داخلی و کیفیت حسابداری بر ریسک سقوط قیمت سهام برای کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. در این پژوهش برای اندازه گیری ریسک سقوط قیمت سهام، مدل هاتن و همکاران و تجزیه و تحلیل داده ها از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که تأخیر غیر عادی گزارش حسابداری و ضعف در کنترل های داخلی، بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری و کیفیت حسابداری بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر منفی و معنی داری، دارند و همچنین با افزایش ضعف در کنترل های داخلی، تأثیر تأخیر غیر عادی گزارش حسابداری، بر افزایش ریسک سقوط قیمت سهام بیشتر می شود.

**واژگان کلیدی:** ریسک سقوط قیمت سهام، تأخیر غیر عادی گزارش حسابداری، ضعف در کنترل های داخلی و کیفیت حسابداری.

۱- استادیار، گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه باهنر، کرمان، ایران. نویسنده مسئول.  
پست الکترونیک: somayeh.fathi@yahoo.com

## ۱- مقدمه

موضوع تغییرات ناگهانی قیمت سهام، طی سال‌های اخیر و به ویژه بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ توجه بسیاری از دانش‌گامیان و افراد حرفه‌ای را به خود جلب کرده است. بخش وسیعی از ادبیات مربوط به بازار سهام، بیانگر آن است که بازده سهام در طول زمان نشان دهنده چولگی منفی یا نوسان نامتقارن است. (چن و همکاران، ۲۰۰۱) چنانچه مدیران بتوانند برای مدت زمان طولانی از افشای اخبار بد خودداری کنند، اخبار منفی در داخل شرکت انباشته می‌شود. از سوی دیگر حجم اخبار بدی که مدیران می‌توانند انباشته کنند، محدود است. علت این موضوع آن است که وقتی که حجم اخبار منفی انباشته به آستانه معینی می‌رسد، نگهداری و عدم افشای آن برای مدت زمان طولانی ترغیرممکن و پرهزینه خواهد شد. در نتیجه توده اخبار نامطلوب پس از رسیدن به نقطه اوج خود به یکباره وارد بازار شده و این موضوع به افت شدید بازده سهام یا سقوط قیمت سهام منجر می‌شود (هاتن و همکاران ۲۰۰۹). حسابرس مستقل با تأیید اعتبار صورت‌های مالی و توانایی اطمینان از افشای به موقع اخبار بد، نقش حیاتی در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام دارند. افشای به موقع صورت‌های مالی حسابرسی، عدم اطمینان سرمایه‌گذار را کاهش می‌دهد و به همین دلیل ریسک سقوط قیمت‌ها را کاهش می‌دهد (هاتن و همکاران ۲۰۰۹). در مقابل، تأخیر گزارش حسابرسی می‌تواند عدم توافق بالای حسابرس و مشتری را نشان دهد. (رابین و ژانگ ۲۰۱۵، هیو ۲۰۱۷). تأخیر گزارش حسابرسی ممکن است منجر به تأخیر اعلان سود، کاهش اطلاع‌دهندگی سود و کاهش واکنش بازار به سود شود (ویتارد و زیمر ۱۹۸۰). هرگونه تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی (عادی و غیر عادی) باعث افزایش عدم تقارن، اطلاعات بین مدیران و سهامداران شده و بر سیستم گزارشگری مالی شرکت اثر منفی می‌گذارد. تأخیر در گزارش حسابرسی ممکن است ناشی از مذاکرات طولانی حسابرس با مشتری در مورد کیفیت سود شرکت مشتری باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۶). تأخیر گزارش حسابرسی غیر عادی طولانی یک سیگنال هشدار دهنده است، به جای اینکه نشانه‌ای از حسابرسی با کیفیت خوب باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۶). تأخیر غیر عادی در گزارش حسابرسی نشانه‌ای از خبر بدی است، بنابراین عدم اطمینان سرمایه‌گذاران و ریسک سقوط قیمت را افزایش می‌دهد (حبیب و هانگ، ۲۰۱۷).

امروزه ارزیابی کنترل‌های داخلی توجه پژوهشگران را نیز جلب نموده بطوریکه بعد از تصویب قانون ساربینز-اکسلی این توجهات بیشتر نیز شده است، این موضوع ناشی از اینست که سرمایه‌گذاران همواره نگران بازده و افت قیمت سهام می‌باشند، خصوصاً بعد از بحران‌های روی داده در دهه‌های گذشته در اروپا و آمریکا که سقوط قیمت سهام را به امری مرسوم در بازارهای مالی تبدیل نموده و همواره این نگرانی وجود داشته است که آیا فقدان کنترل‌های داخلی اثربخش می‌تواند احتمال وقوع سقوط آتی قیمت سهام را به وجود می‌آورد یا خیر؟

تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که کنترل‌های داخلی بی اثر، خطر کسب و کار را افزایش می‌دهد، مشکلات سازمان را تشدید می‌کند و کارایی قرارداد را کاهش می‌دهد (دوئل ۲۰۰۷). یک محیط کنترل ناعادلانه، فرصتی برای مدیران برای پنهان کردن اخبار بد فراهم می‌کند، بنابراین، حسابرسان

باید زمان قابل توجهی در تشخیص و گزارش سوء استفاده از حسابداری را اختصاص دهند چنین تاخیری طولانی، عدم اطمینان سرمایه گذار را افزایش می دهد و منجر به سقوط قیمت سهام می شود (حبیب وهانگ ۲۰۱۷). به عنوان مثال، عواقب ناگوار تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی در ریسک سقوط قیمت عمدتاً محدود به شرکت‌هایی با محیط کنترل ضعیف داخلی است.

از دیگر سو با افزایش کیفیت حسابرسی ریسک سقوط قیمت سهام کاهش می یابد (یانگ ولنتو، ۲۰۱۸). عنایت ویژه به کیفیت حسابرسی انجام شده بر روی صورت‌های مالی به واسطه جدیت و دقت در رسیدگی، رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدود می نماید و باعث شناسایی به موقع زیان و تأخیر در شناسایی سود می گردد. افزایش کیفیت حسابرسی می تواند از انباشته شدن اخبار بدناشی از سوء مدیریت جلوگیری کند (دی آنجلو ۱۹۸۱، روبین و ژانگ ۲۰۱۵). همچنین حسابرسان برای کسب و یا حفظ شهرت و اعتبار خود برآنند که رسیدگی های دقیق تری انجام داده و از دعوی حقوقی و محرومیت‌ها اجتناب کنند و کیفیت اطلاعات مالی را افزایش دهند که در نتیجه آن، شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها افزایش می یابد. حسابرسی با کیفیت تر صحت اطلاعات ارائه شده را بهبود می بخشد و به سرمایه گذاران اجازه می دهد تا برآورد دقیق تری از ارزش شرکت به دست آورند. با افزایش کیفیت حسابرسی این انتظار وجود دارد که احتمال جلوگیری از گزارشگری نتایج متقلبانانه افزایش یابد و کیفیت گزارشات مالی بهبود یابد (راسمین وهمکاران ۲۰۱۴). به عبارت بهتر نظارت دقیق و بهتر به دلیل جلوگیری از انجام کارهای فرصت طلبانه توسط مدیریت و انباشته شدن اخبار بد، منتهی به افزایش ارزش سهام شرکت موقع قیمت گذاری می شود.

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی و ضعف در کنترل های داخلی و کیفیت حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام می باشد. سوال های اساسی این پژوهش این است که آیا تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی و ضعف در کنترل های داخلی بر قیمت سهام اثرات مثبت می گذارند یا خیر؟ آیا کیفیت بالای حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام اثرات منفی دارد؟ و نقش ضعف در کنترل های داخلی در افزایش تأثیر تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام به چه شکل است؟

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱- سقوط قیمت سهام

با در نظر گرفتن تئوری تضاد منافع میان مدیران و مالکان، مدیران واحدهای تجاری به همان اندازه که به انتشار اخبار خوب در خصوص شرکت متمایل هستند؛ سعی در پنهان نمودن اخبار بد نیز دارند. این انگیزه های متفاوت افشاگری از عوامل گوناگونی ریشه می گیرد، مثل قراردادهای پرداخت پاداش و نگرانی های شغلی (بال و کوتاری، ۲۰۰۹). ناتوانی سرمایه گذاران در تمایز بین پروژه های سود ده و زیانده در مراحل اولیه آن‌ها باعث می شود که پروژه های زیان ده ادامه یابد و با گذر زمان زیان دهی آنها افزایش یابد. بازده منفی این نوع پروژه‌ها در طول زمان در داخل شرکت انباشت می شود و هنگامی که اطلاعات مربوط به آن‌ها

افشا می‌شود، قیمت سهام به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. (هاتن وهمکاران ۲۰۰۹). میزان اطلاعات منفی که مدیران می‌توانند انباشت و پنهان کنند، در شرکت‌های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران برای انباشت و افشا نکردن اخبار منفی، به هزینه‌ها و منافع آن بستگی دارد. برای مثال در شرایطی که هیچ‌گونه، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران وجود ندارد، مدیران انگیزه‌ای برای افشای نامتقارن، اطلاعات، ندارند چراکه در چنین شرایطی هزینه‌های نگهداری و افشا نکردن اخبار منفی بیش از منافع آن می‌باشد اما در شرایطی که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران بالاست، هزینه‌های افشا نکردن اخبار منفی و انباشت آن‌ها در داخل شرکت، کمتر از منافع آن خواهد بود و بنابراین، مدیران انگیزه پیدا می‌کنند تا اخبار منفی را در شرکت انباشت کرده و آنها را افشا نکنند، که انباشت این توده اطلاعات منفی، به یکباره وارد بازار شده به سقوط قیمت سهام منجر می‌شود. (کوتاری وهمکاران ۲۰۰۹)

در توصیف چگونگی بروز پدیده ریزش قیمت سهام بلک و کریستی (۲۰۰۷)، تئوری اثرات اهرمی را مطرح کردند. این تئوری بیان می‌کند که کاهش یا افزایش در قیمت سهام یک شرکت، اهرم‌های مالی و عملیاتی آن را افزایش یا کاهش می‌دهد و به طور متقابل منتهی به نوسان بازده سهام و به دنبال آن، چولگی منفی بازده سهام را به همراه دارد. بلانچارد و واتسون (۱۹۸۲)، در توصیف بازده منفی سهام، حباب تصادفی قیمت سهام را بیان کردند. بر اساس تئوری‌های مالی نوین، ارزش یک سهم با مجموع ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی آن برابر است. هم‌چنین بر اساس فرضیه بازار کارا، قیمت سهام در یک بازار کارا برابر یا حول و حوش ارزش ذاتی آن در نوسان است. اما در بعضی مواقع بر اثر یک شوک (انتشار اطلاعات جدید و ...)، قیمت‌ها بدون هیچ توجیه بنیادی و اقتصادی افزایش می‌یابد و به عبارت دیگر قیمت سهام به طور قابل ملاحظه روند صعودی به خود می‌گیرد. این فرایند به عنوان حباب قیمتی مطرح می‌شود. بلانچارد و واتسون بر این باورند که چولگی منفی بازده سهام یا ریزش قیمت سهام از ترکیب حباب‌های قیمتی ناشی می‌شود.

## ۲-۲- تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام

صورت‌های مالی حسابرسی شده یک منبع اطلاعاتی با اهمیت برای سرمایه‌گذاران به منظور ارزیابی اعتبار گزارش‌گری مالی محسوب می‌شود. حسابرسان مستقل نقش اساسی در افزایش شفافیت گزارش‌گری مالی و ایجاد اعتماد در بازار سرمایه ایفا می‌کنند. به موقع بودن اطلاعات حسابداری گزارش شده برای اطمینان از ارتباط و سودمندی اطلاعات مالی دریافت شده توسط سرمایه‌گذاران و ذینفعان ضروری است (2010FASB). تأخیر گزارش حسابرسی به عنوان تفاوت تعداد روزهای بین پایان سال مالی تا تاریخ گزارش حسابرسی تعریف می‌شود. ویژگی‌های حسابرسی و حسابرسان (وابستگی حسابرسان، سرپرستی حسابرسان، خدمات غیر حسابرسی و تغییرات حسابرسان)، متغیرهای بنیادی خاص شرکت (پیچیدگی حسابرسی، عملیات خارجی یا تعداد شرکت‌های تابعه)، وضعیت مالی مشتری (وجود زیان یا ریسک) و ریسک سازمانی (اهرم)، همه تأخیر حسابرسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (آبرناتی وهمکاران ۲۰۱۷). تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی مربوط به فشار زمانی

بر حسابرسان برای تکمیل کارحسابرسی در چارچوب زمانی است و یا ممکن است مذاکرات طولانی مدت حسابرس و مشتری را برای حل اختلافات قابل توجه بین حسابرس و مشتریان نشان دهد (بلانکی و همکاران ۲۰۱۴). چنین اختلافاتی اغلب با کیفیت سودپایین مرتبط است (چن و همکاران، ۲۰۱۶). مبانی نظری ریسک سقوط قیمت سهام بیان می کند که مدیران می توانند اخبار بد را با ایجاد اظهارات مالی مبهم پنهان کنند. از آنجاکه حسابرسان مستقل مسئول تأیید اعتبار صورت های مالی هستند، انتظار می رود حسابرسان اینگونه تحریفات را شناسایی و گزارش دهند، زیرا این ویژگی های کیفیت حسابرسی است (دی آنجلو، ۱۹۸۱). همچنین انتظار می رود که آنها این کار را به موقع انجام دهند تا سرمایه گذاران بتوانند نظرات حسابرسان را برای تصمیم گیری اتخاذ کنند. تأخیر بیش از حد طولانی به این معنی است که شرکت ها دارای احتمال بالایی برای دریافت نظر حسابرسی غیر استاندارد هستند یا اینکه گزارش های مالی خود را در دوره بعدی تغییر داده اند، در مقایسه با شرکت هایی که تأخیر کوتاه گزارش حسابرسی را دارند (چن و همکاران، ۲۰۱۶). از این رو یک تأخیر غیرمعمول در انتشار گزارش حسابرسی باعث افزایش عدم اطمینان سرمایه گذاران و افزایش ناهمگنی در باورهای سرمایه گذاران درباره چشم انداز آینده شرکت می شود، بنابراین موجب سقوط قیمت سهام می شود.

## ۲-۳- ضعف در کنترل های داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام

طراحی و استقرار مناسب سامانه های کنترل های داخلی در واحدهای اقتصادی یکی از مهمترین عوامل تحقق اثربخشی و کارایی عملیات، ارتقای پاسخگویی و شفافیت مالی، رعایت قوانین و مقررات و کمک به پیشگیری از تقلب سوء استفاده های مالی به شمار می رود. محیط کنترل های مؤثر داخلی، به عنوان بخشی از تقسیم اطلاعات و ارتباطات و نظارت، امکان دستیابی به درآمد را کاهش می دهد، کیفیت افشای شرکت ها را افزایش می دهد و از این رو، عدم تقارن اطلاعات را کاهش می دهد و شفافیت اطلاعات را افزایش می دهد (جی و همکاران، ۲۰۱۷). گزارش حسابرس مستقل نقش مؤثر در شناسایی ضعف های با اهمیت در نظام کنترل های داخلی شرکت دارد (بدراد و گراهام، ۲۰۱۱). ضعف های با اهمیت، ضعف هایی است که مانع از اثربخشی کنترل داخلی می شود و ریسک وقوع اشتباهات یا تخلفات با اهمیت نسبت به صورت های مالی مورد حسابرسی و عدم کشف به موقع آن توسط کارکنان در روال عادی انجام وظایف وجود دارد. کنترل ناکارآمد داخلی کنترل ریسک تجاری را افزایش می دهد، مشکلات سازمان و کارایی قرارداد را کاهش می دهد (لونیتس و همکاران، ۲۰۱۳). انتظار می رود وجود نقاط ضعف در کنترل داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی، ارزیابی جریان های نقدی آتی سرمایه گذاران تقاضا برای صرف خطرپذیری و در نتیجه، سرمایه گذاری شرکت تأثیر گذار باشد. (دوئل ۲۰۰۷)

ضعف کنترل داخلی که موجه تسهیل دستکاری ارقام حسابداری می شود و دقت و کیفیت اطلاعات مالی را کاهش می دهد، و ممکن است باعث ابهام و تردید شود. ضعف کنترل داخلی، منجر به تخصیص ناکارآمد منابع نقدی شرکت از سوی مدیران می شود.

یک محیط ضعیف کنترل داخلی، فرصتی برای مدیران برای پنهان کردن اخبار بد فراهم می‌کند، در نتیجه توده اخبار نامطلوب پس از رسیدن به نقطه اوج خود به یکباره وارد بازار شده و این موضوع به سقوط قیمت سهام منجر می‌شود. در نتیجه کاهش کیفیت کنترل‌های داخلی منجر به سقوط قیمت سهام می‌شود (چن و همکاران، ۲۰۱۷).

#### ۲-۴- کیفیت حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام

اطلاعات مالی هنگامی قابل اعتماد و اتکاست که آثار مالی معاملات و سایر رویدادهای مالی به گونه ای بیطرفانه اندازه گیری شده و نتایج اندازه گیری‌ها معتبر و قابل تأیید مجدد باشد. حسابرسی گزارش‌های مالی باعث ارتقای کیفیت آن‌ها می‌گردد و کیفیت بالای حسابرسی بر این مهم می‌افزاید. کیفیت حسابرسی را ارزیابی و استنباط بازار از احتمال توانایی حسابرس در کشف تحریف‌های با اهمیت در صورت‌های مالی و یا سیستم حسابداری صاحبکار و گزارش تحریف‌های با اهمیت کشف شده می‌باشد (دی آنجلو ۱۹۸۱). از سه بعد نظارتی، اطلاعاتی و تضمین‌کنندگی می‌توان به دلایل تقاضای بازار سرمایه برای خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر توجه کرد. در نقش نظارتی، مالکان برای نماینده، نظارت بر جلوگیری از رفتارهای فرصت طلبانه عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های نمایندگی به حسابرسی روی می‌آورند. در نقش اطلاعاتی، از نظر سرمایه‌گذاران، حسابرسی نوعی سازوکار در راستای بهبود کیفیت اطلاعات مالی است که فرایند ارزشمندی تلقی می‌شود. در نقش تضمین‌کنندگی، حسابرسان با ضمانت کردن کیفیت اطلاعات مندرج در صورت مالی، هزینه‌های نشئت گرفته از دعاوی حقوقی را کاهش می‌دهند و مدیران را در مقابل اشخاص ثالث بیمه می‌کنند. کیفیت حسابرسی رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدود می‌نماید و باعث شناسایی به موقع زیان و تأخیر در شناسایی سود می‌گردد. به عبارت بهتر نظارت دقیق و بهتر به دلیل جلوگیری از انجام کارهای فرصت طلبانه توسط مدیریت و انباشته شدن اخبار بد، منتهی به افزایش ارزش سهام شرکت موقع قیمت گذاری می‌شود.

#### ۲-۵- ضعف در کنترل های داخلی و تأخیر گزارش حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام

اتردج و همکاران (۲۰۰۲) دریافته‌اند که وجود ضعف عمده در کنترل‌های داخلی سیستم گزارشگری مالی، منجر به افزایش تأخیر گزارش حسابرسی می‌شود. حسابرسان در صورت وجود ضعف در کنترل‌های داخلی با خطر تحریف با اهمیت بیشتر در نتیجه خطر حسابرسی بالاتری رو برو می‌شوند. بنابراین آن‌ها باید با انجام آزمون‌های حسابرسی بعد از پایان دوره بجای طی دوره و همچنین افزایش دامنه حسابرسی از طریق انجام آزمون محتوای اضافی با استفاده از نمونه‌های بزرگ‌تر برای کاهش خطر حسابرسی اقدام کنند. در مقابل یک سیستم کنترل داخلی مؤثر موجب کاهش آزمون پایان دوره می‌شود که این امر نشان دهنده کاهش تأخیر گزارش حسابرسی است. (هایچم و خالد ۲۰۱۳) یک شرکت با یک محیط کنترل ضعیف داخلی و تأخیر در تولید اطلاعات مالی مورد نیاز حسابرسان، به ویژه هنگامی که مدیران ارشد عمداً تلاش می‌کنند برخی اطلاعات را از آن‌ها پنهان کنند، باعث

می‌شود که حساب‌رسان وقت بیشتری را صرف کرده و همچنین مدیران قادر خواهند بود که اخبار بد را برای یک دوره نسبتاً طولانی حفظ کند، و در نتیجه، قیمت سهام هنگامی که اخبار بد منتشر می‌شود، کاهش می‌یابد. بنابراین، محیط ضعیف کنترل داخلی تسریع در تجمع خبر بد می‌شود که این باعث افزایش تأخیر گزارش حسابرسی و خطر سقوط قیمت می‌شود. (حبیب و همکاران ۲۰۱۷)

## ۲-۶- پیشینه پژوهش

یانگ ولنتو (۲۰۱۸) به بررسی ساختار هیات مدیره و کیفیت حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام برای شرکت‌های چینی پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ساختار قوی هیات مدیره و کیفیت بالای حسابرسی باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود.

حبیب و هانگ (۲۰۱۷) به بررسی تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی باعث افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود که این تأثیر در شرکت‌های که ضعف کنترل داخلی دارند بیشتر است.

چن همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر کنترل هلی داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. که پنج جزء کنترل‌های داخلی شامل: محیط کنترل، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترل، اطلاعات و ارتباطات و نظارت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که تأثیر منفی بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد و به طور خاص، محیط کنترل، اطلاعات و ارتباطات و نظارت به طور قابل توجهی و منفی با ریسک سقوط قیمت سهام در آینده مواجه است. علاوه بر این، ارتباط منفی بین کنترل‌های داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌هایی با ضعف مدیریت داخلی و خارجی (یعنی حسابرسی شده توسط حساب‌رسان کوچک، واقع در استان‌هایی که بازارهای کمتر توسعه یافته و حسابداری با محافظه کاری کمتر و توانایی کم در کاهش اثرات رویدادهای شدید منفی به عنوان مثال شرکت‌های غیر دولتی) وجود دارد.

نی و ژو (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان فروش استقراضی و ریسک سقوط قیمت سهام به بررسی رابطه بین فروش استقراضی و ریسک سقوط قیمت شواهدی از بازار در حال ظهور سهام پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که حذف محدودیت فروش استقراضی، ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد. از طرفی، وقتی شرکت‌ها عدم تقارن اطلاعاتی کمتری دارند، این رابطه ضعیف است. روبین و ژانگ (۲۰۱۵) در پژوهشی به مطالعه ارتباط بین تخصص حسابرس در صنعت و ریزش قیمت سهام پرداختند. یافته‌های حاصل از پژوهش آن‌ها بیان می‌کند که بین تخصص حسابرس در صنعت و ریزش قیمت سهام ارتباطی معکوس و معنی داری وجود دارد؛ طوریکه با افزایش تخصص حسابرس در صنعت مربوطه احتمال ریزش قیمت سهام کاهش می‌یابد و با کاهش تخصص حسابرس در صنعت مربوطه احتمال ریزش قیمت سهام افزایش می‌یابد.

ژانگ و همکاران (۲۰۱۳) به مطالعه هم زمانی قیمت سهام، چولگی بازده سهام و سرمایه گذاران نهادی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که هر دو متغیر هم زمانی قیمت سهام و چولگی بازده سهام

با متغیر مالکیت شرکت ارتباطی معکوس دارد. به ویژه با سرمایه گذاران نهادی که انگیزه و قدرت کافی برای نظارت بر شرکت و فرصت‌های سرمایه گذاری آن دارند. این رابطه برای سرمایه گذارانی با افق زمانی کوتاه مدت برای سرمایه گذاری‌شان مثبت است چرا که این گونه سرمایه گذاران تمایل به معامله دارند تا نظارت بر شرکت.

اندرو و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «حاکمیت شرکتی و سقوط‌های قیمت سهام خاص شرکت» به بررسی این موضوع پرداختند که آیا سیستم‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند تمایل طبیعی شرکت‌ها را برای تجربه سقوط‌های قیمت سهام خاص شرکت پیش‌بینی کند؟ نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ساختار مالکیت، عدم شفافیت حسابداری و هیأت مدیره و فرایندها بر سقوط قیمت سهام تأثیر می‌گذارند. با وجود این، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که با افزایش اندازه‌های حاکمیتی، این روابط به طور نامتقارن افزایش پیدا می‌کند، و این روابط برای شرکت‌هایی که مشکلات نمایندگی بزرگ‌تری دارند، قویتر است.

کیم و ژانگ (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج بررسی داده‌های آن‌ها نشان می‌دهد که محافظه کاری انگیزه مدیران را برای بیش نمایی عملکرد و افشا نکردن اخبارهای بد محدود کرده از این رو ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

هاتن و همکاران (۲۰۰۹) به بررسی ارتباط عدم شفافیت اطلاعات و سقوط ناگهانی قیمت سهام پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین عدم شفافیت اطلاعات و احتمال سقوط ناگهانی قیمت سهام ارتباط مثبت وجود دارد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه کاری حسابداری بر کاهش ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین وجود و یا عدم وجود رویداد سقوط سهام در طول دوره تحقیق با سطح محافظه کاری حسابداری، یک رابطه معکوس و معنی دار وجود دارد. به عبارت دیگر، یافته‌ها حاکی از تأثیر مثبت محافظه کاری حسابداری بر کاهش ریسک سقوط قیمت سهام است. همچنین نتایج حاکی از آن است که رابطه بین محافظه کاری با وجود یا عدم وجود رویداد سقوط قیمت سهام در شرکت‌های دارای سطح عدم تقارن اطلاعاتی بالا، به لحاظ آماری معنی دار نیست. همچنین نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که عدم تقارن اطلاعاتی، نتوانسته است تأثیر محافظه کاری در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش دهد.

فروغی و میرزایی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه کاری شرطی حسابداری بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در شرایطی که بین مدیران و سرمایه گذاران عدم تقارن اطلاعاتی وجود داشته باشد توانایی محافظه کاری شرطی جهت کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام بیش تر است.

دارابی و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر برخی ویژگی‌های کیفی حسابرسی بر ریزش قیمت سهام است. در این پژوهش کیفیت حسابرسی از طریق معیارهای تخصص حسابرس در صنعت، دوره تصدی حسابرس، استقلال حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی اندازه گیری شده است یافته‌های حاصل از



آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های کیفی حسابرسی و ریزش قیمت سهام ارتباط معکوس و معنی داری وجود دارد. طوری که افزایش کیفیت حسابرس منتهی به کاهش ریزش قیمت سهام می‌شود.

دارایی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک سقوط قیمت سهام: با تاکید بر نقش تعدیل کنندگی محافظه کاری حسابداری پرداختند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که بیش اطمینانی مدیریت و محافظه کاری بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر دارد. از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان داد که محافظه کاری به عنوان متغیر تعدیل کننده، اثر منفی، پرتأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد.

ستایش و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام نتایج پژوهش نشان داد که مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها (با استفاده از چولگی منفی بازده سهام و سیگمای حداکثری) تأثیر ندارد. افزون بر این، تأثیر مثبت مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها با استفاده از (نوسان پایین به بالا) است. فتحی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی اثر تعدیل کنندگی عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بیش اطمینانی و عدم تقارن اطلاعاتی بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر تعدیل کننده نیز اثر منفی و معنی داری بر رابطه بیش اطمینانی مدیریت و ریسک سقوط قیمت سهام دارد.

### ۳- فرضیه‌های پژوهش

- برای دستیابی به اهداف پژوهش و مطابق پیشینه پژوهش ۴ فرضیه به شرح زیر ارائه گردیده است
- ۱) تاخیر غیرعادی گزارش حسابرسی، ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد.
  - ۲) ضعف در کنترل های داخلی، ریسک سقوط قیمت سهام را افزایش می‌دهد.
  - ۳) کیفیت بالای حسابرسی، ریسک سقوط قیمت سهام را کاهش می‌دهد.
  - ۴) با افزایش ضعف در کنترل های داخلی و تأثیر تاخیر غیرعادی گزارش حسابرسی، افزایش ریسک سقوط قیمت سهام بیشتر می‌شود.

### ۴- روش پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کمی است که از روش علمی و اثبات تجربی استفاده می‌کند و بر اساس فرضیه‌ها و طرح‌های پژوهش از قبل تعیین شده، انجام می‌شود. از این دسته پژوهش‌ها زمانی استفاده می‌شود که معیار اندازه‌گیری داده‌ها کمی است و برای استخراج نتیجه‌ها از فن‌های آماری استفاده می‌شود. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز عمدتاً از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس اوراق

بهادار تهران و نرم افزار تدبیرپرداز جمع‌آوری و سپس تجزیه و تحلیل و آزمون داده‌ها با استفاده از نرم افزار اکسل و Eviews انجام شده است. روش پژوهش حاضر با توجه به این که، متغیر وابسته در رابطه فوق، به صورت متغیر مجازی بوده و تنها مقادیر صفر و یک را اختیار می‌کند، به منظور برآورد آن از الگوی لاجیت (رگرسیون لجستیک) و روش داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. الگوی لاجیت از جمله الگوهای غیرخطی است که برای برآورد آن از روش بیشینه درست نمایی استفاده می‌شود. نتایج حاصل از برآورد الگوی لاجیت به طور تقریبی شبیه برآورد الگوهای رگرسیون خطی است، با این تفاوت که در الگوی لاجیت به جای مقدار  $t$  محاسبه شده،  $Z$  محاسبه شده گزارش می‌گردد. به علاوه در این الگو، لگاریتم درست‌نمایی نامقید و لگاریتم راست‌نمایی نامقید گزارش می‌شود. از این دو آماره به منظور محاسبه آماره نسبت راست‌نمایی و ضریب تشخیص مک‌فادن استفاده می‌شود. این دو شاخص، به ترتیب برای بررسی اعتبار کل رگرسیون و قدرت توجیه رگرسیون به کار می‌روند. در واقع این دو آماره همانند  $F$  و  $R^2$  در رگرسیون‌های خطی عمل می‌کنند.

#### ۴-۱- جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است، که شرایط مذکور را داشته باشند: حداقل از ابتدای سال ۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند. اطلاعات مورد نیاز جهت متغیرهای تحقیق در مورد آن شرکت‌ها، در طول دوره تحقیق در دسترس باشد. جزو شرکت های خدماتی، تأمین مالی و سرمایه گذاری نباشد. پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند ماه باشد و شرکت در دوره مورد مطالعه سال مالی خود را تغییر نداده باشد لذا با توجه به شرایط فوق ۱۲۰ شرکت به عنوان نمونه مطالعاتی این پژوهش در نظر گرفته شدند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
کنترل جامع علوم انسانی

#### ۴-۲- متغیرهای و مدل پژوهش

##### متغیرهای مستقل

در این پژوهش سه متغیر مستقل استفاده شده است: تأخیر غیر عادی گزارش حساسی، ضعف در کنترل های داخلی و کیفیت حساسی  
تأخیر غیر عادی گزارش حساسی  
((ABN-ARL): به منظور اندازه گیری آن مطابق با پژوهش نچل و شارما (۲۰۱۲) و کریشنان و یانگ (۲۰۰۹) از مقادیر باقیمانده  $\varepsilon$  حاصل از برآورد مدل تأخیر گزارش حساسی به شرح رابطه (۱) استفاده شده است. باقیمانده مثبت (منفی) تأخیر گزارش حساسی طولانی (کوتاه) را نشان می‌دهد.

رابطه (۱)

$$LAG_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 SIZ_{i,t} + \beta_2 LNFE_{i,t} + \beta_3 CRI_{i,t} + \beta_4 ROE_{i,t} + \beta_5 LOSS_{i,t} + \beta_6 BTM_{i,t} +$$

$$b7 LEVi,t + b8 AGEi,t + b9 TENU Ei,t + \epsilon i,t$$

که در این رابطه:

**LAG**: لگاریتم طبیعی تأخیر گزارش حسابرسی شرکت که برابر است با تفاضل تعداد روزهای بین تاریخ پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی؛ **SIZ**: اندازه شرکت است که معادل لگاریتم طبیعی فروش خالص شرکت می‌باشد؛ **LNFFEE**: لگاریتم حق الزحمه حسابرسی شرکت؛ **CR**: نسبت جاری شرکت معادل حاصل تقسیم دارایی‌های جاری بر بدهی‌های جاری شرکت؛ **ROE**: سودآوری شرکت که عبارتست از نسبت سود خالص به حقوق صاحبان سهام؛ **LOSS**: متغیر مجازی که اگر شرکت در سال مالی مربوط زیانده باشد برابر یک در غیر اینصورت صفر؛ **BTM**: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت؛ **LEV**: اهرم شرکت که حاصل تقسیم کل بدهی‌های به کل دارایی‌هاست؛ **AGE**: سن شرکت؛ **TENUE**: طول دوره تصدی حسابرسی شرکت؛  $\epsilon$ : باقیمانده مدل فوق که نشان دهنده تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی شرکت است.

### ضعف در کنترل های داخلی

**ICMW**: نقاط ضعف در کنترل های داخلی از گزارش حسابرسان مستقل بدست آمده است. با توجه به اینکه در گزارش حسابرسی تنها نقاط ضعف در کنترل های داخلی شرکت به عنوان بند شرط ارائه می‌گردد و از ارائه همه نقاط ضعف که حسابرسان قبلاً در نامه مدیریت به آن‌ها پرداخته است پرهیز می‌گردد، در این پژوهش همه بندهای شرط مربوط به ضعف‌های کنترل های داخلی به عنوان نقاط ضعف در کنترل های داخلی در نظر گرفته شده است زیرا نامه مدیریت نمی‌تواند جایگاه قانونی گزارش نقاط ضعف را مطابق با قوانین بگیرد (زارعی، ۱۳۸۱). بنابراین در این پژوهش منظور از ضعف‌های بااهمیت ضعف‌هایی است که حسابرسان در گزارشش به آن اشاره می‌کند و معمولاً طی سال مالی بر طرف می‌شود و در برخی موارد بر طرف نمی‌گردد. به عنوان مثال ضعف‌های موجود در حساب‌های دریافتی، موجودی کالا، دارایی‌ها، مالیات یا به عنوان مثال مواردی که مربوط به تصمیمات هیئت مدیره است و این ضعف‌ها در سطح حساب‌های شرکت و در سطح خود شرکت وجود دارند. مقدار این متغیر به عنوان یک متغیر ساختگی، مطابق با پژوهش لی و همکاران (۲۰۱۶)، اگر شرکت دارای ضعف کنترل داخلی باشد عدد یک در غیر اینصورت صفر می‌باشد.

### کیفیت حسابرسی

**AQ**: طبق پژوهش‌های اخیر برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی از معیارهای مانند اندازه موسسه حسابرسان، دوره تصدی حسابرسان، تخصص حسابرسان در صنعت و نوع گزارش حسابرسان استفاده می‌شود. که از معیارهای ذکر شده دوره تصدی و نوع گزارش حسابرسان در این پژوهش به عنوان متغیر کنترل و متغیر مستقل دیگر استفاده شده است. ما در این پژوهش از معیار اندازه موسسه حسابرسان و تخصص در صنعت استفاده می‌کنیم. دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که مؤسسات حسابرسانی بزرگ تر، خدمات حسابرسانی باکیفیت بالاتر ارائه می‌کنند. همچنین مؤسسات حسابرسانی بزرگ به منظور حفظ

اعتبار و شهرت خود، تلاش بیشتری در جهت شناسایی تقلب می‌کنند (راسمین و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین در این پژوهش، به منظور ارزیابی کیفیت حسابرسی شاخص اندازه موسسه حسابرسی حسابرس استفاده شده است. در ایران، سازمان حسابرسی به عنوان یک موسسه حسابرسی دولتی به ارائه خدمات حرفه ای حسابرسی می‌پردازد و به نسبت سایر مؤسسات حسابرسی، از حجم صاحبکاران بالاتری برخوردار است. به علاوه به واسطه ساختار دولتی و انتخاب قهری، این سازمان در پذیرش کار و تعیین حق الزحمه خدمات حرفه ای از حاشیه امنیتی برخوردار است که توانسته در عرصه رقابت با سایر مؤسسات غیر دولتی جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص دهد. بنابراین این سازمان، همانند که در بسیاری از پژوهش‌ها به عنوان مؤسسات ارائه دهنده خدمات باکیفیت تر تلقی می‌شوند. برای محاسبه اندازه موسسه حسابرسی به این شیوه عمل می‌کنیم که اگر سازمان حسابرسی واحد مورد رسیدگی را حسابرسی کرده باشید عدد یک در غیر این صورت از عدد صفر استفاده می‌کنیم.

تخصص حسابرس در صنعت: در این پژوهش از سهم بازار به عنوان شاخصی برای تخصص حسابرس در صنعت بهره گرفته می‌شود. (ویلیکینز ۲۰۰۲). سهم بازار بصورت جذر مجموع ارزش دفتری دارایی‌های مشتریان مؤسسه حسابرسی در آن صنعت تقسیم بر جذر مجموع ارزش دفتری دارایی‌های تمام مشتریان آن مؤسسه حسابرسی محاسبه می‌شود. مؤسسه‌ای در این تحقیق به عنوان متخصص صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان بیش از  $1/2$  \* شرکت‌های موجود در یک صنعت  $1/$  باشد.

### متغیر وابسته

**CRASH**: متغیر وابسته پژوهش حاضر، ریسک سقوط آتی قیمت سهام است. به منظور اندازه‌گیری این متغیر، از معیار هاتن و همکاران (۲۰۰۹) است. بر اساس مطالعه ایشان دوره سقوط در یک سال مالی معین، دوره‌ای است که طی آن بازده ماهانه خاص شرکت  $3/2$  انحراف کمتر از میانگین بازده ماهانه خاص آن باشد. اساس این تعریف بر این مفهوم آماری قرار دارد که با فرض نرمال بودن توزیع بازده ماهانه خاص شرکت، نوسان‌هایی که در فاصله میانگین به علاوه  $3/2$  انحراف معیار و میانگین منهای  $3/2$  انحراف معیار قرار می‌گیرند از جمله نوسان‌های عادی محسوب می‌شود و نوسان‌های خارج از این فاصله، جز موارد غیر عادی قلمداد می‌شود. با توجه با این که سقوط قیمت سهام یک نوسان غیرعادی است، عدد  $3/2$  به عنوان مرز بین نوسانات عادی و غیر عادی مطرح است. در این پژوهش، ریسک سقوط قیمت سهام، متغیری مجازی است که اگر شرکت طی سال مالی حداقل یک دوره سقوط را تجربه کرده باشد، مقدار آن یک و در غیر اینصورت صفر خواهد بود. بازده ماهانه خاص شرکت با استفاده از رابطه (۲) محاسبه می‌شود:

$$W_{j,t} = \ln(1 + \varepsilon_{j,t}) \quad \text{رابطه (۲)}$$

در رابطه فوق:

$W_{j,t}$ : بازده خاص شرکت  $j$  در دوره  $t$  طی سال مالی.

$\varepsilon_{j,t}$ : بازده باقیمانده سهام شرکت  $j$  در دوره  $t$  است و عبارتست از باقیمانده یا پسماند مدل در رابطه (۳):

$$r_{j,t} = \beta_0 + \beta_1 r_{j,t-2} + \beta_2 r_{j,t-1} + \beta_3 r_{j,t} + \beta_4 r_{j,t+1} + \beta_5 r_{j,t+2} + \varepsilon_{j,t} \quad (3)$$

که در این رابطه:

$r_{j,t}$ : بازده سهام شرکت  $j$  در دوره  $t$  طی سال مالی.

$r_{m,t}$ : بازده بازار در دوره  $t$  است.

برای محاسبه بازده ماهانه بازار، شاخص ابتدای ماه از شاخص پایان ماه کسر شده و حاصل بر شاخص ابتدای ماه تقسیم می‌شود.

رابطه (۳) با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و شیوه داده‌های ترکیبی برآورد شده و باقیمانده آن به شرح رابطه (۲) جهت محاسبه بازده ماهانه خاص شرکت استفاده می‌شود. بازده ماهانه خاص شرکت، با توجه به تعریف مذکور به منظور اندازه‌گیری ریسک سقوط آتی قیمت سهام استفاده می‌شود (هاتن و همکاران ۲۰۰۹). در این پژوهش مطابق با کیم و همکاران (۲۰۱۱) شرکت در سال یک سقوط را تجربه کرده باشد، مقدار آن برابر یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

### متغیرهای کنترلی

**AUDITT**: دوره تصدی، مدت زمان رابطه حسابرس با مشتری است. که بای اندازه‌گیریان اگر حسابرس ۴ سال و یا بیشتر حسابرس شرکت صاحبکار بوده از متغیر مصنوعی ۱ و در غیر این صورت از متغیر مصنوعی ۰ استفاده می‌شود. (نمازی و همکاران، ۱۳۹۰؛ مایرز و همکارانش، ۲۰۰۳)

**SIZE**: عبارتست از لگاریتم طبیعی مجموع فروش‌های خالص شرکت در پایان سال مالی.

**M/B**: از طریق نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام اندازه‌گیری می‌شود.

**ROE**: سودآوری شرکت که عبارتست از نسبت سود خالص به حقوق صاحبان سهام؛

**LOSS**: متغیر مجازی که اگر شرکت در سال مالی مربوط زیانده باشد برابر یک در غیر این صورت صفر؛

**LEV**: اهرم شرکت که حاصل تقسیم کل بدهی‌های به کل دارایی‌هاست.

باتوجه به متغیرهای پژوهش مدل‌های پژوهش به شرح رابطه (۴)، (۵)، (۶)، (۷) می‌باشد.

رابطه (۴)

$$\text{Crash Risk } i,t = \beta_0 + \beta_1 \text{ABN-ARL } i,t + \beta_2 \text{AUDITT } i,t + \beta_3 \text{SIZE } i,t + \beta_4 \text{ROE } i,t + \beta_5 \text{M/B} + \beta_6 \text{LOSS} + \beta_7 \text{LEV} + \varepsilon_{i,t}$$

رابطه (۵)

$$\text{Crash Risk } i,t = \beta_0 + \beta_1 \text{ICMW } i,t + \beta_2 \text{AUDITT } i,t + \beta_3 \text{SIZE } i,t + \beta_4 \text{ROE } i,t + \beta_5 \text{M/B} + \beta_6 \text{LOSS} + \beta_7 \text{LEV} + \varepsilon_{i,t}$$

رابطه (۶)

$$\text{Crash Risk } i,t = \beta_0 + \beta_1 \text{ AQ } i,t + \beta_2 \text{ AUDITT } i,t + \beta_3 \text{ SIZE } i,t + \beta_4 \text{ ROE } i,t + \beta_5 \text{ M/B} + \beta_6 \text{ LOSS} + \beta_7 \text{ LEV} + \varepsilon i,t$$

رابطه (۷)

$$\text{Crash Risk } i,t = \beta_0 + \beta_1 \text{ ABN-ARL } i,t * \text{ICMW } i,t + \beta_2 \text{ AUDITT } i,t + \beta_3 \text{ SIZE } i,t + \beta_4 \text{ ROE } i,t + \beta_5 \text{ M/B} + \beta_6 \text{ LOSS} + \beta_7 \text{ LEV} + \varepsilon i,t$$

### ۵- یافته‌های پژوهش

در این قسمت به بررسی داده‌های پژوهش می‌پردازیم و با انجام آزمون‌های آماری، فرضیه‌های مطرح شده را آزمون می‌کنیم. جدول (۱) حاوی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای ۱۲۰ شرکت عضو نمونه، طی ۶ سال است. در این جدول میانگین، میانه، انحراف معیار، ضریب چولگی و ضریب کشیدگی کلیه متغیرها ارائه گردیده است.

جدول ۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نمادها	مشاهدات	میانه	میانگین	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
ریسک سقوط قیمت سهام	Crash	۷۲۰	۰	۰/۴۴۱	۰/۴۹۶	۰/۲۳۵	۱/۰۵۵
تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی	ABN-ARL	۷۲۰	۱	۰/۴۷۷	۰/۴۹۹	-۰/۱۱۱	۱/۰۱۲
ضعف در کنترل‌های داخلی	ICMW	۷۲۰	۰/۲۷۳	۰/۷۷۳	۰/۲۳۲	۰/۸۵۸	۳/۳۷۶
اندازه موسسه حسابرسی	BIG	۷۲۰	۰/۱۳۰۰۱	۰/۳۱۰۴۵	۰/۴۶۰۹۱	۲/۱۳۲	۴/۸۴۵۸
تخصص حسابرس در صنعت	SM	۷۲۰	۰/۱۲۴۵	۰/۴۵۶۸	۰/۲۴۵۸	۲/۲۴۵۷	۳/۴۲۴۵
اندازه شرکت	Size	۷۲۰	۱۳/۹۷۷	۱۳/۱۹۸	۰/۶۷۰	۱/۵۱۶	۳/۸۷۳
دوره تصدی	AUDITT	۷۲۰	۴/۴۵۶۸	۳/۸۴۵۳۰	۰/۹۸۷۸۵	۰/۵۸۸	-۱/۷۴۱
سودآوری	ROE	۷۲۰	۰/۱۳۳۸	۰/۰۸۸۶	۰/۹۹۰۸۷	۰/۷۲۰	۳/۴۱۲۵
ارزش بازار به ارزش دفتری	M/B	۷۲۰	۵/۴۵۰	۴/۷۵۴	۳/۷۴۳	۱/۲۱۰	۳/۳۲۰
زیان	LOSS	۷۲۰	۱	۰/۹۲	۰/۱۴۲۱۲	۰/۳۶۵۴۱	۱/۱۴۲۵
اهرم مالی	LEV	۷۲۰	۰/۶۶۷۳۵	۰/۶۳۱۳۸	۰/۳۷۸۵۲	۲/۹۱۳	۳/۴۵۶۲

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

نتایج بیانگر آن است که به طور میانگین ۴۴ درصد از شرکت‌ها با ریسک سقوط قیمت سهام مواجه هستند و ۴۷ درصد از گزارشات حسابرسی با تأخیر غیر عادی می‌باشند و ۷۳ درصد از

شرکت‌ها دارای ضعف در کنترل‌های داخلی می‌باشند و ۳۱ درصد از شرکت‌ها کیفیت حسابداری بالای برخوردار هستند. میانگین متغیرهای اندازه شرکت، دوره تصدی، سودآوری، ارزش بازار به ارزش دفتری، زیان، اهرم مالی، به ترتیب ۱۳/۱۹۸، ۳/۸۴۵۳۰، ۰/۰۸۸۶، ۰/۷۵۴، ۰/۹۲، ۰/۶۳۱۳۸ می‌باشد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود با توجه به نزدیکی میانه و میانگین می‌توان بیان کرد تمام متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردارند، همچنین انحراف معیار آن‌ها صفر نیست، بنابراین می‌توان متغیرهای مد نظر را در مدل وارد کرد. تمامی متغیرها به جز متغیر ارزش بازار به ارزش دفتری از حداقل انحراف معیار برخوردار هستند که نشان از انسجام داده‌های نمونه انتخابی دارد. ضریب کشیدگی نشان می‌دهد که داده‌ها از انسجام مناسبی برخوردارند. قبل از آزمون فرضیه‌ها به منظور اطمینان از غیرکاذب بودن مدل‌های رگرسیون مورد استفاده، در این بخش به بررسی ایستایی متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. نتایج حاصل از بررسی پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته در جدول ۲ ارائه شده است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون، تمام متغیرهای اصلی در سطح معنی داری ۱٪ پایا (مانا) هستند.

جدول ۲- نتایج آزمون پایایی

متغیرها	آماره آزمون	احتمال	وضعیت پویایی (مانایی)
ریسک سقوط قیمت سهام	-۲۴/۱۶	۰/۰۰۰	مانا
تأخیر غیرعادی گزارش حسابداری	-۲۶/۴۰	۰/۰۰۰	مانا
ضعف در کنترل های داخلی	-۱۱/۱۲۶۵۴	۰/۰۰۰	مانا
کیفیت حسابداری	-۷/۸۲	۰/۰۰۰	مانا
تخصص حسابداری در صنعت	-۸/۴۵۷	۰/۰۰۰	مانا
دوره تصدی حسابداری	-۹/۵۴۷۸	۰/۰۰۰	مانا
اندازه شرکت	-۱۸/۷۳	۰/۰۰۰	مانا
سودآوری	-۱۲/۱۴۵۷۸	۰/۰۰۰	مانا
ارزش بازار به ارزش دفتری	-۳۲/۸۰	۰/۰۰۰	مانا
زیان	-۱۰/۴۵۲۳۶	۰/۰۰۰	مانا
اهرم مالی	-۱۳/۴۲۵۳۶	۰/۰۰۰	مانا

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

جدول شماره ۳ نشان دهنده نتایج آزمون‌های لیمر و هاسمن در برآورد مدل‌های رگرسیونی است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، در تمامی مدل‌های به کار رفته فرضیه  $H_0$  مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأ رد شده، لذا مدل‌ها پانل می‌باشند. همچنین بر اساس آزمون هاسمن چون برای تمام مدل‌ها Prob. کمتر از ۵ درصد است مدل اثرات ثابت در سطح معنی داری ۹۵ درصد به بالا پذیرفته می‌شود.

جدول (۳): نتایج آزمون‌های F لیمر و  $\chi^2$  هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون لیمر			فرضیه‌های تحقیق
Prob	Chi-Sq. Statistic	df	Prob	Cross-section F	Df	
۰/۰۳۲۸	۱۳/۰۵۷۷۶۸	۵	۰/۰۲۲۲	۱/۹۹۸۴۳۷	(۵,۷۱۳)	۱
۰/۰۳۵۷	۱۲/۴۶۹۸۷۳	۵	۰/۰۳۳۸	۱/۴۱۵۸۷۳	(۵,۷۱۳)	۲
۰/۰۳۷۲	۱۱/۵۳۷۳۴۵	۶	۰/۰۳۹۵	۱/۶۲۷۱۲۱	(۵,۷۱۳)	۳
۰/۰۳۲۵	۱۳/۱۴۲۵۳۷	۵	۰/۰۱۰۱	۱/۸۷۴۵۶	(۵,۷۱۳)	۴

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

فرضیه اول به این صورت مطرح شده بود که تاخیر غیر عادی گزارش حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. نتایج آزمون فرضیه اول در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول (۴): خلاصه نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه اول

ضرایب برآورد شده	آزمون Z		ضریب مک فادن	آزمون راستنمایی LR		نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون		سطح معنی داری	آماره آزمون	
۰/۱۰۹	۰/۰۰۸	۱۳/۳۰	۰/۴۴۶	۰/۰۰۰۰	۶۹/۴۰	عرض از مبدأ
۰/۲۳۷	۰/۰۱	-۳۱/۲۹				تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسي
-۰/۴۳۹	۰/۳۱۴	-۲۵/۴۱				دوره تصدی حسابرسي
-۰/۰۳۶	۰/۰۰۰۰	۵۱/۸۸				اندازه شرکت
۰/۰۲۸	۰/۰۰۵	-۷/۷۴				سودآوری
۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	-۴/۲۱				ارزش بازار به ارزش دفتری
-۰/۰۱۴	۰/۰۱۲	-۳/۱۲				زیان
۰/۰۱۲۴	۰/۰۲۳	-۳/۴۲۱				اهرم مالی

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، مقدار و احتمال آماره LR بیانگر معنادار بودن معادله رگرسیون در سطح خطای ۰/۰۵ است. در بررسی هر یک از فرضیه‌های پژوهش، از آماره Z مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. مقدار ضریب مک فادن مدل برابر با



۴۴٪ است؛ و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل ارائه شده، قادر به بیان ۴۴٪ از عوامل تأثیر گذار بر ریسک سقوط قیمت سهام هستند. در بررسی هر یک از فرضیه‌های پژوهش، از آماره Z مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، مقدار معناداری برای ضریب (۰/۲۳۷) متغیر تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی برابر با ۰/۰۱ است بنابراین تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد و افزایش تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی به طور معناداری منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود. ضریب متغیر دوره تصدی حسابرس  $-۰/۴۳۹$  - و با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ بدست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تأیید می‌شود؛ یعنی می‌توان گفت بین متغیر کنترلی دوره تصدی حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معناداری یافت نشد. ضریب متغیر اندازه شرکت و زیان برابر با  $-۰/۰۳۶$  و  $-۰/۰۱۴$  است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تأیید نمی‌شود؛ به بیان دیگر می‌توان گفت اندازه شرکت و زیان تأثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای اهرم مالی و ارزش بازار به ارزش دفتری و سودآوری کمتر از ۰/۰۵ و مثبت است. یعنی این متغیرهای کنترلی تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. فرضیه دوم به این صورت مطرح شده بود که ضعف در کنترل های داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری دارد. نتایج آزمون فرضیه دوم در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول (۵): خلاصه نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه دوم

ضرایب برآورد شده	آزمون Z		ضریب مک فادن	آزمون LR		نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون		سطح معنی داری	آماره آزمون	
۰/۱۲۵	۰/۰۰۵	۱۱/۲۰	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰۰	۶۲/۴۰	عرض از مبدأ
۰/۳۳۷	۰/۰۰۰	۱۲/۲۹				ضعف در کنترل های داخلی
-۰/۰۳۸	۰/۰۱۴	-۳۳/۴۱				دوره تصدی حسابداری
۰/۰۱۶	۰/۰۰۰۰	۴۱/۸۸				اندازه شرکت
۰/۰۲۸	۰/۰۰۵	۸/۷۴				سودآوری
۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	۵/۲۱				ارزش بازار به ارزش دفتری
-۰/۰۱۳	۰/۰۱۱	۶/۱۴				زیان
۰/۱۴	۰/۲۴	۱۱/۱۴				اهرم مالی
						ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، مقدار و احتمال آماره LR بیانگر معنادار بودن معادله رگرسیون در سطح خطای ۰/۰۵ است. در بررسی هر یک از فرضیه‌های پژوهش، از آماره  $t$  مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. مقدار ضریب مک فادن مدل برابر با ۳۰٪ است؛ و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل و کنترلی مدل ارائه شده، قادر به بیان ۳۰٪ از عوامل تأثیر گذار بر ریسک سقوط قیمت سهام هستند. همانطور که در جدول شماره ۵ ملاحظه می‌شود، مقدار معناداری برای ضریب (۰/۳۳۷) متغیر تاخیر غیر عادی گزارش حسابداری برابر با ۰/۰۰۰ است بنابراین تاخیر غیر عادی گزارش حسابداری بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد و افزایش تاخیر غیر عادی گزارش حسابداری به طور معناداری منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام می‌شود. ضریب متغیر دوره تصدی حسابداری  $-۰/۰۳۸$  و زیان برابر با  $-۰/۰۱۳$  است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تأیید نمی‌شود؛ به بیان دیگر می‌توان گفت زیان و متغیر دوره تصدی حسابداری تأثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد سطح معناداری محاسبه شده برای متغیرهای اندازه شرکت و ارزش بازار به ارزش دفتری و سودآوری کمتر از ۰/۰۵ و مثبت است. یعنی این متغیرهای کنترلی تأثیر مثبت و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. بین متغیر کنترلی اهرم مالی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه معناداری یافت نشد. فرضیه سوم به این صورت مطرح شده بود که کیفیت حسابداری بر ریسک سقوط قیمت سهام

تأثیر معناداری دارد. نتایج آزمون فرضیه سوم براساس دو معیار اندازه گیری کیفیت حسابرسی درجدول شماره ۶ و ۷ آورده شده است.

جدول (۶): خلاصه نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه سوم معیار اول

ضرایب برآورد شده	آزمون Z		ضریب مک فادن	آزمون LR		نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون		سطح معنی داری	آماره آزمون	
۰/۲۳۱	۰/۰۰۱	۲۱/۳۰	۰/۳۶۶	۰/۰۰۰۰	۷۲/۴۰	عرض از مبدأ
-۰/۳۱۷	۰/۰۰۰	-۲۱/۲۹				اندازه موسسه حسابرسی
-۰/۰۱۹	۰/۰۱۴	-۲۲/۴۱				دوره تصدی حسابرسی
-۰/۰۲۶	۰/۰۰۰۰	۴۱/۸۸				اندازه شرکت
۰/۰۱۸	۰/۰۰۱	-۵/۲۰				سودآوری
۰/۰۰۱	۰/۴۵۱	-۹/۲۱				ارزش بازار به ارزش دفتری
-۰/۱۴۰	۰/۰۵	-۸/۱۵				زیان
۰/۱۶	۰/۲۲	۷/۴۷				اهرم مالی
ماخذ: یافته‌های پژوهشگر						

همانطور که درجدول ۶ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب مک فادن مدل برابر با ۳۶٪ است؛ و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل مدل ارائه شده، قادر به بیان ۳۶٪ از عوامل تأثیر گذار بر ریسک سقوط قیمت سهام هستند. در بررسی هریک از فرضیه‌های پژوهش، از آماره Z مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، مقدار معناداری برای ضریب (-۰/۳۱۷) متغیر اندازه موسسه حسابرسی برابر با ۰/۰۰۰ است. بنابراین کیفیت حسابرسی براساس معیار اول بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر منفی و معناداری دارد. از بین متغیرهای کنترلی، سودآوری بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد و زیان و اندازه شرکت و دوره تصدی حسابرسی تأثیر منفی و معناداری دارد. متغیرهای کنترلی اهرم مالی و ارزش بازار به ارزش دفتری با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد.

جدول (۷): خلاصه نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه سوم معیار دوم

ضرایب برآورد شده	آزمون Z		ضریب مک فادن	آزمون LR		نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون		سطح معنی داری	آماره آزمون	
۰/۲۳۱	۰/۰۰۱	۲۱/۳۰	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰۰	۷۲/۴۰	عرض از مبدأ
-۰/۲۹۹	۰/۰۰۱	-۳۱/۵۶				تخصص حسابرس در صنعت
-۰/۰۳۰	۰/۰۲۳	-۲۱/۵۰				دوره تصدی حسابرس
۰/۰۳۵	۰/۰۰۴	۶۷/۱۱				اندازه شرکت
۰/۰۲۲	۰/۶۵۵	-۹/۳۱				سودآوری
۰/۲۱۴	۰/۴۵۷	-۸/۵۵				ارزش بازار به ارزش دفتری
-۰/۰۴۸	۰/۰۰۱	-۹/۹۵				زیان
۰/۳۵	۰/۵۹	۸/۰۷				اهرم مالی
ماخذ: یافته‌های پژوهشگر						

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب مک فادن مدل برابر با ۳۸٪ است؛ و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل مدل ارائه شده، قادر به بیان ۳۸٪ از عوامل تأثیر گذار بر ریسک سقوط قیمت سهام هستند. در بررسی هر یک از فرضیه‌های پژوهش، از آماره Z مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، مقدار معناداری برای ضریب (-۰/۲۹۹) متغیر تخصص حسابرس در صنعت برابر با ۰/۰۰۱ است. بنابراین کیفیت حسابرسی بر اساس معیار دوم بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر منفی و معناداری دارد. از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد و زیان و دوره تصدی حسابرسی تأثیر منفی و معناداری دارد. متغیرهای کنترلی اهرم مالی، سودآوری و ارزش بازار به ارزش دفتری با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد.

فرضیه چهارم: با افزایش ضعف در کنترل های داخلی و تأثیر تاخیر غیر عادی گزارش حسابرسی بر افزایش ریسک سقوط قیمت سهام بیشتر می‌شود.

جدول (۸): خلاصه نتایج محاسبات رگرسیون فرضیه چهارم

ضرایب برآورد شده	آزمون Z		ضریب مک فادن	آزمون LR		نام متغیر
	سطح معنی داری	آماره آزمون		سطح معنی داری	آماره آزمون	
۰/۲۳۱	۰/۰۰۱	۲۱/۳۰				عرض از مبدأ
۰/۴۲۵	۰/۰۰۱	-۳۱/۲۰				ضعف در کنترل های داخلی * تاخیر غیر عادی گزارش حسابرسی
-۰/۰۳۹	۰/۰۲۲	-۲۲/۴۱				دوره تصدی حسابرس
۰/۰۴۶	۰/۲۴۵	۴۱/۸۸	۰/۴۲۶	۰/۰۰۰۰	۶۷/۶۰	اندازه شرکت
۰/۰۳۳	۰/۰۱۲	-۵/۲۰				سودآوری
۰/۰۰۵	۰/۰۴۱	-۹/۲۱				ارزش بازار به ارزش دفتری
-۰/۲۴۰	۰/۴۸	-۸/۱۵				زیان
۰/۳۳	۰/۱۲۲	۷/۴۷				اهرم مالی

ماخذ: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب مک فادن مدل برابر با ۰/۴۲ است؛ و بیانگر آن است که متغیرهای مستقل مدل ارائه شده، قادر به بیان ۰/۴۲٪ از عوامل تاثیرگذار بر ریسک سقوط قیمت سهام هستند. در بررسی هریک از فرضیه‌های پژوهش، از آماره Z مربوط به متغیرهای مستقل استفاده شده است. همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، مقدار معناداری برای ضریب (۰/۴۲۵) متغیر ضعف در کنترل‌های داخلی \* تاخیر غیر عادی گزارش حسابرسی برابر با ۰/۰۰۱ است بنابراین ضعف در کنترل‌های داخلی \* تاخیر غیر عادی گزارش حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر مثبت و معناداری دارد. از بین متغیرهای کنترلی سودآوری و ارزش بازار به ارزش دفتری بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد و دوره تصدی حسابرسی تأثیر منفی و معناداری دارد. متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، زیان و اهرم مالی با توجه به اینکه سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر معناداری ندارد.

## ۶- بحث و نتیجه گیری

حسابرس مستقل با تأیید اعتبار صورت های مالی و توانایی اطمینان از افشای به موقع اخبار بد، نقش حیاتی در کاهش ریسک سقوط قیمت سهام دارند. از این رو یک تأخیر غیر معمول در انتشار گزارش حسابرسی باعث افزایش عدم اطمینان سرمایه گذاران و افزایش ناهمگنی در باورهای سرمایه گذاران درباره چشم انداز آینده شرکت می شود، بنابراین موجب سقوط قیمت سهام می شود. همچنین شرکت با یک محیط کنترلی ضعیف داخلی و تأخیر در تولید اطلاعات مالی مورد نیاز حسابرسان، به ویژه هنگامی که مدیران ارشد عمداً تلاش می کنند برخی اطلاعات را از آنها پنهان کنند، باعث می شود که حسابرسان وقت بیشتری را صرف کرده و همچنین مدیران قادر خواهند بود که اخبار بد را برای یک دوره نسبتاً طولانی حفظ کنند، و در نتیجه، قیمت سهام هنگامی که اخبار بد منتشر می شود، کاهش می یابد از طرفی کیفیت حسابرسی رفتار فرصت طلبانه مدیران را محدود می نماید و باعث شناسایی به موقع زیان و تأخیر در شناسایی سود می گردد. به عبارت بهتر نظارت دقیق و بهتر به دلیل جلوگیری از انجام کارهای فرصت طلبانه توسط مدیریت و انباشته شدن اخبار بد، منتهی به افزایش ارزش سهام شرکت موقع قیمت گذاری می شود.

هدف این پژوهش بررسی تأثیر تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی و ضعف در کنترل های داخلی و کیفیت حسابرسی ریسک سقوط قیمت سهام برای کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. در این پژوهش برای اندازه گیری ریسک سقوط قیمت سهام مدل هاتن و همکاران و تجزیه و تحلیل داده ها از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج حاصل از فرضیه اول و دوم نشان داد که تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی و ضعف در کنترل های داخلی بر ریسک سقوط قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی با افزایش تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی و ضعف در کنترل های داخلی ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می یابد. نتیجه فرضیه سوم نشان داد که بین هر دو معیار کیفیت حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه منفی و معنی داری وجود دارد، به عبارتی با افزایش کیفیت حسابرسی، ریسک سقوط قیمت سهام کاهش می یابد. نتیجه فرضیه چهارم نشان داد که با افزایش ضعف در کنترل های داخلی و تأثیر تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی بر افزایش ریسک سقوط قیمت سهام بیشتر می شود. که نتایج حاصل مطابق با پژوهش های حبیب و همکاران (۲۰۱۷)، روبین ژانگ (۲۰۱۶)، وینگ و هییم (۲۰۱۸)، چن و همکاران (۲۰۱۷)، هایچم و خالد (۲۰۱۳) و دارابی و همکاران (۱۳۹۵) می باشد.

از محدودیت های این پژوهش این است که عده ای از کنترل داخلی توقعات غیر واقع بینانه و خارق العاده دارند. آن ها به دنبال مطلق ها هستند ولی کنترل داخلی به دلیل محدودیت های ذاتی که دارد نمی تواند شواهدی قطعی مبنی بر دستیابی به هدف ها را، فراهم کند. همچنین محدودیت های ذاتی کنترل های داخلی از جمله خطاهای انسانی، نادیده گرفتن کنترل های داخلی به وسیله مدیران، تبانی مدیران و کارکنان و فزونی منافع بر مخارج کنترل داخلی می تواند بر طراحی و اجرای کنترل داخلی تأثیر داشته باشد که در این پژوهش امکان بررسی آن ها وجود نداشت. از این رو، امکان دارد این محدودیت بر یافته های پژوهش تأثیر داشته باشد و به دلیل لحاظ نکردن شرکت های غیر بورسی

این نتایج در مورد آن‌ها مصداق ندارد. همچنین کارا نبودن بازار سرمایه ایران، به عنوان یک عامل مداخله گر می‌تواند نتایج پژوهش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد که کنترل آن توسط محقق امکان پذیر نمی‌باشد. این موضوع یکی از تنگناهای موجود در اجرای پژوهش‌های متکی به بازار سرمایه از جمله پژوهش حاضر است.

با توجه به نتایج فرضیه اول پژوهش به سهامداران پیشنهاد می‌شود که هنگام خرید سهام به تفاوت زمان ارائه گزارش با حد متوسط زمان ارائه گزارش‌ها در چند سال قبل توجه نموده و در صورت وجود اختلاف حائز اهمیت صورت‌های مالی ارائه شده را بیشتر بررسی نمایند و به حساب‌رسان توصیه می‌شود که به دنبال فرآیند حسابرسی مستمر بروند تا فشار زمانی پایان تأثیر تأخیرات عادی و غیر عادی در روند انتشار و ارائه گزارش حساب‌رسان آن‌ها متحمل نشود و به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد تأثیر سایر ویژگی‌های حسابرسی و موسسات حسابرسی بر رابطه بین تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام مورد بررسی قرار دهند.

با توجه به نتایج فرضیه دوم پژوهش پیشنهاد می‌گردد که در ایران پژوهش که به دسته بندی نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی که در گزارش حساب‌رسان و بازرسی قانونی افشا می‌شود انجام نشده، یعنی اینکه این نقاط ضعف کنترل داخلی به دو دسته نقاط ضعف با اهمیت در سطح حساب و سطح شرکت تفکیک نشده، لذا یک رویکرد فرارو، به منظور انجام پژوهش‌های آتی آن است که تفکیک نقاط ضعف به سطح حساب و سطح شرکت انجام شود. با توجه به اینکه کنترل‌های داخلی مؤثر این اطمینان را می‌دهد که واحد تجاری می‌تواند به اهدافش برسد، برای رسیدن به این هدف باید اطمینان حاصل شود که گزارش‌های کنترل داخلی قابل اعتماد هستند. پژوهش‌های آتی می‌تواند به بررسی کنترل‌های داخلی قوی و رابطه آن با پیشبرد اهداف سازمان و تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین ضعف در کنترل‌های داخلی و ریسک سقوط قیمت سهام بپردازد.

با توجه به نتایج فرضیه سوم پژوهش پیشنهاد می‌گردد که: با عنایت به این افزایش کیفیت حسابرسی منتهی به کاهش ریزش قیمت سهام می‌شود به نهاد‌های مجری دوره‌های آموزشی حسابرسی مانند جامعه حسابداران رسمی پیشنهاد می‌گردد در راستای ارتقای هر چه بیشتر حساب‌رسان اقدام‌های موثری را اتخاذ کنند و از آنجای که در این پژوهش تنها سازمان حسابرسی به عنوان موسسه بزرگ در نظر گرفته شده است، پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی پدیده موانع بزرگ شدن مؤسسات حسابرسی و راهکارهای بزرگ شدن مؤسسات حسابرسی و همچنین تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و ریسک سقوط قیمت سهام و تأثیر سایر معیارهای کیفیت حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام بررسی نمایند.

با توجه به نتایج فرضیه چهارم پژوهش به مدیران ارشد شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد که با تقویت سیستم کنترل داخلی به ویژه در بخش گزارشگری مالی علاوه بر کاهش ریسک حسابرسی، به بهبود کیفیت گزارشگری مالی از منظر به موقع بودن کمک نمایند. پژوهشگران آتی می‌توانند تأثیر ضعف در کنترل‌های داخلی و تأخیر غیر عادی گزارش حسابرسی بر سایر ویژگی‌های مالی شرکت‌ها مورد را بررسی قرار دهند.

## منابع

- ۱- زارعی، حسین. (۱۳۸۱). تحلیلی نقاط ضعف کنترل‌های داخلی شرکت، مجله حسابداری، شماره ۱۴۷، ص ۱-۴
- ۲- دارابی، رؤیا؛ چناری بوکت، حسن؛ محمودی خاتمی، مرجان. (۱۳۹۵). تأثیر برخی ویژگی‌های کیفی حسابداری بر ریزش قیمت سهام، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابداری، ۳۳(۸)، ۱۱۹-۱۳۷
- ۳- دارابی، رؤیا؛ زارعی، علی. (۱۳۹۶). تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر ریسک سقوط قیمت سهام: با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی محافظه‌کاری حسابداری، دانش حسابداری مالی، ۴(۱)، ۱۲۱-۱۳۹
- ۴- ستایش، محمدحسین؛ تقی‌زاده، رضا؛ جوکار، محمد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت واقعی سود بر ریسک سقوط قیمت سهام، دانش حسابداری مالی، ۴(۱۲)، ۲۳-۴۳
- ۵- فتحی، سمیه؛ حیدری، زهره؛ عزیزپور، زاهدین. (۱۳۹۷). اثر تعدیل‌کنندگی عدم تقارن اطلاعاتی بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و ریسک سقوط قیمت سهام، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی مدیریت و حسابداری، تهران
- ۶- فروغی، داریوش؛ میرزایی، منوچهر. (۱۳۹۱). تأثیر محافظه‌کاری شرطی حسابداری بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، ۴(۲) ص ۱۷۷-۷۷
- ۷- مرادی، جواد؛ ولی پور، هاشم؛ قلمی، مرجان. (۱۳۹۰). تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر کاهش ریسک سقوط قیمت سهام، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۴(۱۱) ص ۱۱۶-۹۳
- ۸- نمازی، محمد، بایزیدی، انور و سعید جبارزاده کنگرلویی. ۱۳۹۰ «بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله تحقیقات حسابداری، شماره ۹ ص ۲۱-۴

1. Abernathy, J. L., Barnes, M., Stefaniak, C., Weisbarth, A. (2017). An international perspective on audit report lag: A synthesis of the literature and opportunities for future research. *Int. J. Aud.* 21, 100-127
2. Andreou, P.C., Antoniou, C., Horton, Louca, J., C. (2012). Corporate Governance and Stock Price Crashes, Available At URL: [Http://www.Ssrn.Com](http://www.Ssrn.Com).
3. Ball, R., (2009), "Market and Political/Regulatory Perspectives on The Recent Accounting Scandals", *Journal of Accounting Research*, 47 (2), PP. 277-323
4. Bedredy, J., Graham, L. (2012). Detection and Severity classifications of Sarbanes-Oxley Section 404 Internal control Deficiencies, *the accounting Review*, 86(3):825-855
5. Blankley, A.I., Hurtt, D.N., MacGregor, J.E (2014). The relationship between audit report lags and future restatements. *Audit. J. Pract. Theory*. 33, 27-57.
6. Bleck A., Liu, X., (2007), "Market Transparency and The Accounting Regime", *Journal of Accounting Research*, Vol. 45, PP. 229-256. 14)



7. Blanchard, O.J., Watson, M.W. (1982). Bubbles, Rational Expectations, and Financial Markets, in Paul Wachtel, ed., Crises in Economic and Financial Structure, Lexington MA: Lexington Books, PP. 295-315.
8. Chan, K. H., Luo, V. W., Mo, P. L. L. (2016). Determinants and implications of long audit reporting lags: evidence from China. *Account. Bus. Res.* 46, 145-66.
9. Chen, J., Hong, H., Stein, J.C. (2001). Forecasting crashes, trading volume, past returns, and conditional skewness in stock prices. *J. Fin. Econ.* 61, 345-381.
10. Chen, J., Chan, K.C., Dong, W., Zhang, F. (2017). Internal control and stock price crash risk: evidence from China. *European. Account. Rev.* 26, 125-152
11. De Angelo, L. (1981). Auditor Size and Audit Quality, *Journal of Accounting and Economics*, 3(3), PP. 183-199.
12. Doyle, J., Ge, W., & McVay, S, (2007), Determinants of Weaknesses in Internal Control over Financial Reporting. *Journal of Accounting and Economics*, NO 44, PP. 193-223.
13. Ettredge, M, L, C, Li & L, Sun. (2006). The impact of SOX section 404 internal control quality assessment on audit delay in SOXera, *Auditing: A Journal of Practice and theory*: 25(1), 1-23
14. Financial Accounting Standards Board (FASB). (2010). Statement of Financial Accounting Concepts No.8, Conceptual Framework for Financial Reporting, (Chapter 3) Qualitative Characteristics of Useful Financial Information. Norwalk/ Connecticut: FASB.
15. Habib, A., Huang, H. (2017). Abnormally long audit report lag and future stock price crash risk: Evidence from China, 24, 256-280
16. Hichem, KH, S, Khaled (2013). Internal Control Quality Egyptian Standards on Auditing and External Audit Delays Evidence from the Egyptian Stock Exchange, *International Journal of Auditing*, doi 10.1111/ijau.12018
17. Hutton, A.P., Marcus, A.J., Tehranian, H. (2009). Opaque Financial Reports, R2, and Crash Risk. *Journal of Financial Economics*, 94, 67-86
18. Hua, F., Habib, A., Huang, H., Qi, B. (2017). Engagement auditor industry specialization and future stock price crash risk: evidence from China. Working paper, Xi'an Jiaotong University and Massey University.
19. Ji, X.D., Lu, W., Qu, W., 2017. Voluntary disclosure of internal control weakness and earnings quality: Evidence from China. *International Journal Accounting*, 52, 27-44.

- 20.Kothari, S.P., Shu, S., Wysocki, P.D. (2009). Do Managers Withhold Bad News? *Journal of Accounting Research*, 47, 241276.
- 21.Kim, J.B., Liandong Zhang. (2010). Does Accounting Conservatism Reduce Stock Price Crash Risk? Available At URL: [Http://Www.Ssm.Com](http://Www.Ssm.Com).
- 22.Krishnan J, S., Yang. (2009). Recent trends audit report and earning announcement lag, *Accounting Horizons*, 23, 265-288
- 23.Leventis, S., Dimitropoulos, P., Owusu-Ansah, S. (2013) Corporate governance and accounting conservatism: Evidence from the banking industry. *Corp. Gov. Int Review*. 21, 264-286
- 24.Lee, J., Cho, E., and H. Choi. (2016). The Effect of Internal Control Weakness on Investment Efficiency, *The Journal of Applied Business Research*. Vol. 32, No 3, Pp. 649-661.
- 25.Myers, J. N; Myers, L. A and T. C. Omer (2003).Exploring the Term of the Auditor-client Relationship and Quality of Earnings: A case for Mandatory Auditor Rotation?*Accounting Review*, Vol. 64, No. 2, PP. 55-73
- 26.Ni, X., and Zhu, W. (2016). Short-sales and stock price crash risk: Evidence from an emerging market, *Economics Letters*, 144: 22–24.
- 27.Robin, A., Zhang, H. (2015). Do industry-specialist auditors influence stock price crash risk? *Audit. J. Pract. Theory*. 34, 47-79.
- 28.Rusmin R, Astami E.W, Hartadi B, (2014), The impact of surplus free cash flow and audit quality on earnings management, *Asian Review of Accounting*, Vol. 22 Iss 3 pp. 217 – 232
- 29.Zhang, X-J., (2013), Book-to-Market Ratio and Skewness of Stock Returns, *The Accounting Review*, 88 (66), PP. 2213–2240
- 30.Whittred, G. P., Zimmer, I., (1980). Audit qualification and the timeliness of corporate annual reports. *Account. Review*. 50, 563–577.
- 31.W,H Yeung, C Lento . (2018).Ownership structure, audit quality, board structure, and stock price crash risk: Evidence from China, *Global Finance Journal*, Volume, 37, 1-24